

مدارس مذهبی و کنترل دولت

محمد رضا هویدا

ریشه های جنگ در افغانستان به مسائلی مختلفی بر می گردد. منافع کشورهای منطقه، منافع قدرت های جهانی، جنگ استخباراتی میان کشورهای بزرگ جهان و کشورهای خرد و بزرگ منطقه ای، منافع اقتصادی کشورهای جهان و منطقه، نظام های مستبد گذشته، سنتی بودن جامعه افغانستان، تعدد اقوام و بافت جمعیتی اقوام افغانستان، وضعیت ژئوپولیتیکی افغانستان، فقر، پایین بودن میزان سواد و... سبب شده اند تا این جنگ، چندین دهه پیش آغاز گردد و برای سالهای سال ادامه یابد.

هیچ جنگی در جهان را بدون زمینه های فرهنگی آن نمی توان مطالعه کرد. زمینه های فرهنگی جنگ ها به اندازه ای قوی هستند که بدون آنها جنگ امکان دوام ندارد. از جنگ های جهانی اول و دوم و تا جنگ های منطقه ای و داخلی افغانستان، مدارس مذهبی فرهنگی به وجود آورنده این جنگ ها بر می گردد. زمینه های فرهنگی بعد از نژاد و آفریقای جنگ ها را تشکیل می دهند. به عبارت دیگر، ابتدا مغزها شعله ور می شوند و آنگاه تنگ ها شلیک می کنند و توپها و تانک ها سرزمین ها را به آتش می کشند.

افغان ها مردم باورمند و معتقدی هستند. دین برای مردم افغانستان از اولویت های اساسی برخوردار است. هر چه به دین برگردد برای مردم مقدس است. علما و دانشمندان دینی، قرب و منزلت خاصی در نزد مردم افغانستان دارند. مدارس مذهبی جایگاه ویژه ای داشته اند و قاریان و مفسران و محدثان و مبلغان شان و منزلت والایی دارند. همین امر سبب شده که دروازه های افغانستان برای فعالیت های مذهبی و دینی باز باشند. در دوران جهاد صدها مدرسه دینی در نقاط مختلف افغانستان ساخته شده است. همین گونه صدها مدرسه دینی دیگر در کمپها و مناطقی که مهاجران افغان زندگی می کردند، در عالم مهاجرت ساخته شده است. هزاران طلبه در مدارس دینی در کشورهای همسایه افغانستان نیز در حال حاضر درس می خوانند. صدها مدرسه دینی دیگر در افغانستان به صورت شخصی و غیر رسمی اداره می شوند. کسانی که در این گونه مدارس درس می خوانند، رقم قابل ملاحظه ای را شامل می شوند.

دولت بر مدارس دینی و مذهبی کنترلی ندارد. کنترل موارد مختلفی را شامل می شود، از تهیه مواد درسی گرفته تا روحیه کم بر مدارس و همین گونه افراد و مدرسانی که مواد درسی را تهیه و تدارک می بینند و یا مدارس را اداره می کنند. حتا در مواردی این مدارس نه تنها از سوی دولت کنترل نمی شوند، که در مواردی از سوی کشورهای دیگر تجهیز و تمویل می شوند و در کل به کشورهای دیگر وابسته هستند. از این گونه مدارس در بسیاری از شهرها و ولسوالی های کشور دیده می شود. وجود این مدارس در مناطق ناام کشور کاملاً نگران کننده است. این مدارس در مواردی کاملاً افراط گرایان را ترویج می کنند. از موارد درسی گرفته تا افراد و اساتید و مدیران همه به نحوی به کشورهای دیگر وابسته هستند.

دولت بر مدارس دینی و مذهبی کنترلی نیست و خود و دوستان خود رسیده و تنفر و دشمنی او را تأکیدی بر درستی شیوه زندگی و ارزشهای مورد باور خود دید. دوست بعد از دشمن از راه می رسد. اساساً دوست تا آنگاه وجود دارد که دشمنی در کار است. پناهجو به خاطر آن دوست است و مورد استقبال قرار می گیرد که دشمنی همچون تروریست وجود دارد. دوست فقط آنگاه از راه می رسد که جامعه به درکی از خود دست یافته و دارای امکاناتی است که با او تقسیم کند. دوست مطلق وجود ندارد. باید مدام بر فاصله (با دوست) تأکید ورزید تا "خود" در یگانگی با او محو نشده و دچار فرو پاشی نشود. ولی دشمن مطلق وجود دارد - دشمنی که با او دارای هیچ وجه مشترکی نیستیم. نمونه چنین دشمنی تروریست است. در زمینه دشمنی با او تا حد نابودیش می توان پیش رفت و لازم نیست هیچ تردیدی در مورد دشمنی او و دشمنی با او داشت. او و محض و بدن فرو گاشته شده فیلسوف ایتالیایی جورجو آگامبن ما را متوجه

سازمان های نظامی و امنیتی هم آهنگی ندارند

عبدالرحمن فهیمی



نظامی داخلی وارد میدان مبارزه با تروریسم شده و آنان خود که زیر فشار افکار عمومی جوامع شان بودند، زودتر عرصه را ترک می آید، سازمان های مرتبط با بازسازی - توسعه ای و خدمات زیربنایی دچار مشکل می شوند و خدمات همگانی و رفاهی نیز به صورت و شایسته و بایسته ارائه نمی شود. ما پس از سال ۲۰۰۱ در حال که از صفر آغاز کرده و مانند کودک نوپا آغازین گام های مان را در امر دولت سازی می گذاشتیم، به بحث به خورد افکار عمومی داده می شد که در طول یک دهه و اندکی نیروهای نظامی داخلی به اندازه کافی و لازم توسط مشاوران و مربیان خارجی آموزش دیده و اکنون آن ها قادر به دفاع تنهایی و تأمین امنیت هستند.

اما ترس و هراس را که شهروندان داشتند، اکنون دیده می شود که بی جا هم نبوده است. پس از آن که مأموریت جنگی نیروهای خارجی به صورت کامل به پایان رسیده و دولت های غربی همکار کشور،

با مشکل مواجه می شود، در عرصه ای مدیریت سازمان ها و فرایند آموزش دهی کودکان و نوجوانان و جوانان چالش به وجود می آید، سازمان های مرتبط با بازسازی - توسعه ای و خدمات زیربنایی دچار مشکل می شوند و خدمات همگانی و رفاهی نیز به صورت و شایسته و بایسته ارائه نمی شود. ما پس از سال ۲۰۰۱ در حال که از صفر آغاز کرده و مانند کودک نوپا آغازین گام های مان را در امر دولت سازی می گذاشتیم، به بحث به خورد افکار عمومی داده می شد که در طول یک دهه و اندکی نیروهای نظامی داخلی به اندازه کافی و لازم توسط مشاوران و مربیان خارجی آموزش دیده و اکنون آن ها قادر به دفاع تنهایی و تأمین امنیت هستند.

اما ترس و هراس را که شهروندان داشتند، اکنون دیده می شود که بی جا هم نبوده است. پس از آن که مأموریت جنگی نیروهای خارجی به صورت کامل به پایان رسیده و دولت های غربی همکار کشور،

این وضعیت نگران کننده و نامطلوب می تواند علل و عوامل متعدد داشته باشد. ناتوانی رهبران و مدیران جنگی چه در وزارت دفاع و چه در قول اردوها و میدان های جنگ، ناتوانی سربازان، نبود امکانات جنگی، حمایت برخی از باشندگان مناطق از دشمن، تا هم آهنگی میان سازمان ها و نیروهای نظامی و امنیتی در میدان جنگ و... اکنون وزارت های دفاع و امور داخله خود چالش و مشکل نبود هم آهنگی را تأیید می کنند. سخنگویان این دو سازمان مهم نظامی و امنیتی از نبود هم آهنگی های تاکتیکی سخن زدند.

بحث این نوشتار این است که دولت های خارجی همکار و مقام های مهم نظامی و امنیتی کشوری که این قدر از توانمندی های نیروهای داخلی سخن زده و مرتب شهروندان را دل آسا کرده و آرامش خاطر می دادند، چرا به این چالش مهم توجه نکردند؟ جناب رییس جمهور خود رییس فرایند انتقال مسوولیت های امنیتی از نیروهای خارجی به نیروهای داخلی بود، چرا به این بحث عمده و مهم توجه نکرد؟ وزارت های دفاع ملی و امور داخله ریاست عمومی امنیت ملی مسوول دفاع از کشور، سرکوب تروریست ها و شورش گران، گرفتاری ای سرکوب باندهای جنایت و تبهکار و ... هستند. بر فرض مطلوب بودن دیگر شرایط و مؤلفه ها بدون هم آهنگی رهبری نمی رسد و حتی فرصت های به دست آمده نیز از کف می رود.

حقیقتاً جای تأسف است که ارتش، پولیس و امنیت ملی با این که به تنهایی و بدون همکار نظامی خارجی مسوولیت نبرد در برابر شورشیان و دیگر تهدیدهای امنیتی را دارند، خود از نبود هم آهنگی میان شان سخن می زنند.

باید میان مدیران کلان این سه سازمان در مرکز و مدیران و فرماندهان در سطح خردتر در ولایت ها و زون ها هم آهنگی های لازم ایجاد شود. در غیر این صورت وضعیت مانند سال که سپری کردیم یا حتی وخیم تر و بدتر خواهد شد.

ترور و پناهجویی

محمد رفیع محمودیان / منبع: رادیو زمانه / قسمت سوم



او نه بر معنای تنامندی و وجود انسانی خود که بر مینمای ارزشهایی ویژه خود دست به کش و دشمنی می زند. وجود او جز وجودی ارزشی چیز دیگری نیست، او همچون انسان دکارتی فلسفه مدرن از تن خود فاصله گرفته، آنرا همچون یک دستگاه مکانیکی می بیند. دستگاهی که باید از آن به سان وسیله مبارزه استفاده کرد. بدن و زندگی برای او دارای ارزشی در خود نیستند. در جهان او نابودی را می جوید و تمام زندگی خود را بر آن متمرکز ساخته است. فقط او اگر نابود شود نمی تواند کاری (یا کار بیشتری) خرابکارانه انجام دهد. به سان تروریست او همانی است که هست. به تغییر یا اصلاح او نمی توان امید بست. فقط در نبودش می توان از دست او رهایی یافت. با او استدلال نمی توان کرد و اندیشه او را نمی توان از بین برد. نه به این خاطر که او دارای باوری نیست بلکه به آن خاطر که او چیزی جز باور یا مجموعه ای از باورهای معین بدون ارتباط به تن و زندگی نیست. بدون تردید، نابودی او فقط با کشتن او میسر است ولی این نه فقط بدن او است که باید نابود شود بلکه همچنین اراده و وجود او. تن او تا آنجا دارای موضوعیت و اهمیت است که جایگاه و حامل باور معینی است.

تروریست کسی است که وحشت (ترور)

اهمیت تقسیم بندی کلاسیک یونانی بین 20ē (حیات محض - نزد همه موجودات زنده) و bios (شیوه حیات یک فرد یا یک گروه) ساخته است. با استفاده از این تقسیم بندی می توان به تفاوت مهمی بین پناهجو و تروریست پی برد و جایگاه آنها را در سیاست معاصر باز شناخت. پناهجو موجودی است فروگاشته به تن. وجود او وجود انسانی است نیازمند کمک. او همه نیاز است. امکانات و توان او در کمترین حد است. به جایی وارد شده که با وجود او و چه بسا جهان زندگی او بیگانه است. توانمندی های فرهنگی او خود به خود به کمترین حد می رسند. چون از راه دور آمده توان جسمی و مادی او نیز در کمترین حد است. او باید سر پناهی یابد تا بتواند زندگی کند همین و بس. مسئله او زندگی محض است. او موقعیتی گریخته است که زندگی و امنیت و آرامش (بنیادین) او را تهدید می کرده. پس از او نباید درباره باورها و افکارش پرسید. بیش از هر چیز باید به نیازهای اولیه او پاسخ داد. باید پوشاک، خوراک، مسکن و در نهایت کار در اختیار او قرار داد و امکان برخورداری از امنیت و آرامش را برای او فراهم آورد. صرف وجود انسانی او موضوعی است که باید توجه و حساسیت ما را برانگیزد.

تروریست چیزی جز دشمن محض نیست.

را باید با حمله موشکی، پهپاد یا بمباران هوایی کشت. به سراغ قانون درباره وضعیت او و محکومیتش نباید رفت. او را باید به دقت، سرعت و کار آمدی هر چه تعامرت کشت. او قربانی نیست. بر مرگ او نباید غریبست یا حسرت خورد. تن او بیش از آنکه تنی انسانی باشد وسیله ای برای رسیدن به هدفی بوده است. در خود هیچ معنا و مفهومی نداشته است که برای آن ارزشی قائل بود.

با این همه، تروریست انسانی مقدس است. تقدس او آنگونه که دور گهایم به ما آموخته در خارق العادگی اش قرار دارد. بر اساس نظریه دور گهایم بنیاد باور دینی بر اساس تمایز بین امر قدسی و امر عرفی قرار دارد. امر قدسی امر خارق العاده است، آنچه که در ورای روزمرگی قرار دارد و نباید به سان جزئی از زندگی روزمره دیده شده و با آن برخورد شود. در مقایسه، امر عرفی درست آن چیزی است که به زندگی روزمره تعلق دارد و بدون آئین و مناسک می توان با آن برخورد کرد. امر قدسی تا آنجا دارای معنا است که بر تمایزش از مجموعه ای گسترده از امور عرفی تأکید می شود.

در جامعه شناسی دور گهایم، امر قدسی نماد همبستگی اجتماعی است و برخورد ویژه به آن، به شکل آئینها و مناسک ابزار بازسازی همبستگی است. نشان تقدس تروریست را می توان در خارق العادگی او یافت. با تروریست گفتگو و مذاکره نمی توان کرد. با او قرارداد نمی توان بست. انگیزه ها و ذهنیت او دهشتناک هستند ولی اصلاً قابل فهم نیستند. او کسی ای چیزی یکسره متفاوت با دیگر انسانها است. انسان است ولی انسان نیست. به این دلیل او از هیچ حقی برخوردار نیست و کسی نیز از او انتظار پاسخگویی به وظایف اخلاقی اش را ندارد. تنها او را می توان کشت. ولی کشتن او با کشتن دیگران متفاوت است. او را بدون محکومیت می توان کشت. بهتر آن است که بدون محاکمه کشت. هیچگونه نشانی از مظلومیت (قربانی شدن) نباید در فرایند کشتن او احساس شود و به چشم آید.

با تمام تفاوتی که پناهجو با تروریست دارد، باز این شباهت را با تروریست دارد که او نیز مقدس است. او نیز در ورای دیگر انسانها قرار می گیرد. پناهجو انسانی است فرو گاشته شده به تن. به مجموعه ای از نیازها. انسانی است که همه چیز را از دست داده و در جستجوی سر پناهی است. در این موقعیت او موجودی خارق العاده است. متفاوت با همه دیگر انسانها؛ کسانی که چیزی پس بیشتر از یک تن و مجموعه ای از نیازها هستند و دارای موقعیتی تعیین در جهان و جامعه.

☑ کارتون روز

موضوعیت پناهندگان افغانستان



روزنامه افغانستان از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید.

هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد. مقالات وارده بازگردانده نمی شود.

مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله بیاتگر دیدگاه روزنامه افغانستان می باشد.

روزنامه افغانستان بخش دری و پشتوی روزنامه اوت لوک افغانستان است.

www.dailyafghanistan.com
Email: thedailyafghanistan@yahoo.com

© صاحب امتیاز: دکتر حسین یاسا
© مدیر مسوول: محمد رضا هویدا
© سردبیر: حفیظ الله زکی
© کاریکاتورست: خالق علی زاده

© دبیران: علی اصغر زاهدی، مصطفی جعفری
© مسئول وب سایت: غلام عباس اصلان
© آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۷-۱۳۷

افغانستان
The Daily Afghanistan

Outlook
AFGHANISTAN
The Leading English Language Newspaper